

مجله اقتصادی

شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، صفحات ۴۰-۲۹

بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران

مجید فشاری

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علوم اقتصادی

m.feshari@ues.ac.ir

جواد پورغفار

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه حسابداری، تبریز، ایران

pourghaffar@gmail.com

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به ایران بوده است. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا قانون تحریم ایران را به اجرا گذاشت و در طول ۳۰ سال گذشته نیز همواره بر حجم این تحریم‌ها افزوده شد. در مقابل اتخاذ چنین رویکردی، مقام معظم رهبری بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و از آن به‌عنوان روشی مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور یاد کردند. روشی که در برابر هجمه‌های غرب همانند سدی محکم کارآمد باشد. اقتصاد مقاومتی مفهومی عملی برای جهش کشور در بعد اقتصاد و قدرت نظامی و فرهنگی و علمی و تکنولوژیک است. در اقتصاد مقاومتی برای برداشتن گام‌های بلند در راستای پیشرفت کشور در حین مقاومت، توجه به کیفیت و قیمت و تنوع تولیدات داخل، اصلاح مدیریت‌های اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خودکفایی و اتخاذ تدابیری لازم برای خود اتکالی در برخی زمینه‌ها لازم است. این پژوهش بر آن است تا ضمن تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه‌حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تحریم‌ها، اقتصاد اسلامی، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که به‌ویژه در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده، عرصه اقتصادی است (بالاسا، ۱۹۹۰). بنابراین، انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و

الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی^۱ است (علیخانی، ۱۳۸۰).

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه‌ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، می‌بایست هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا می‌یابد. از این رو ضروری است مفهوم اقتصاد مقاومتی و ضرورت مطالعه و نیز راهکارهای تحقق آن در اقتصاد ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش بر آن است ضمن بیان تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی و نیز سابقه آن در اقتصاد ایران به ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق آن پردازد. به‌منظور دستیابی به این هدف، در ادامه مقاله به‌صورت زیر سازماندهی شده است:

در بخش دوم تعاریف و مفاهیم مختلف از اقتصاد مقاومتی ارائه شده، در بخش سوم محورهای اساسی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، در بخش چهارم به محورها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود و در بخش پنجم نیز به ارائه راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور پرداخته می‌شود.

۲. تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی

هنگامی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند.

آنچه که از روایات و آیات ما استنتاج می‌شود این است که اقتصاد در مفهوم اندیشه اسلامی یک مفهوم و یک مقوله توازنی، هم در مقوله مادی و هم در مقوله معیشت، است. در تفکر اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می‌شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مبادله در آن وجود دارد و در این مبادله هزینه، منافع و درآمد وجود دارد. از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی‌نیازی است؛ یعنی می‌بایست به کمک توازن‌ها نیازها را رفع کنیم.

نخستین مفهوم قابل استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی کنیم که دشمن در عرصه‌های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار داریم که می‌بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می‌گوییم اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما می‌خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آنها برحق است، مبارزه می‌کنند. هرچقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آنها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری برساند مقاومتی تر است.

قاعدتاً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می‌گوییم، یعنی اقتصادی که این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را بر اساس آن مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما بازمی‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است (پیت و الاین، ۲۰۰۹).

– نکات ویژه در اقتصاد مقاومتی

- منظور از اقتصاد واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته. چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر مهم حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود (جانستون، ۲۰۰۵).
- اقتصاد مقاومتی باید الهام گرفته از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ دینی باشد.
- توجه ویژه به توان و قدرت و استعداد و ظرفیت ملت در این موضوع ضروری است.
- اقتصاد مقاومتی نیازمند مقاومت مدبرانه است.

۱-۲. مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

۲-۱-۱. تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد.

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خود اتکایی است.

۳. برخی از مهم‌ترین محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی

۳-۱. حمایت از تولید ملی

از ابتدای سال، تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی مبین ۳ وظیفه برای دولت، دست‌اندرکاران تولید و مردم می‌باشد، ۳ حلقه‌ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم تأثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن به این تعامل وابسته است؛ یعنی هرچقدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم، اما کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد در عمل مردم به خرید کالای تولید داخلی رغبت نخواهند داشت. اگر هم تولیدکننده برای تولید کالای باکیفیت تلاش کند، اما دولت و سیستم بانکی کشور خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی فضای کسب و کار را دشوار کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی‌رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. بنابراین، باید تمام ارتباطات این ۳ حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱).

۲-۳. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد، از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان‌دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد. بخش خصوصی به‌عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به‌کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور می‌تواند اهداف توسعه‌ای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر برای همراهی مردم، به‌عنوان اصلی‌ترین ارکان مقاومت در جامعه برای مقابله در برابر تحریم‌هاست.

۳-۳. توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فناوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود می‌توان این فناوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات مناسب برای نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است.

۴. الگوهای اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان ۵ الگو به‌صورت زیر ارائه داد:

۴-۱. اقتصاد موازی

الگوی اول از اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی همانطور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. به‌عنوان مثال می‌توان از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در

عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی نام برد. البته مهم‌ترین محدودیت این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش‌های نوینی روبرو خواهد بود، زیرا به‌عنوان مثال هیچ‌تصویری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه پولی-مالی کشور در بخش‌های دولتی و عمومی وجود ندارد، اما باز هم نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره‌نشده و غیرمعقول به حساب آورد.

۲-۴. اقتصاد ترمیمی

الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور بر حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به‌عنوان مثال غرب پس از ۲ شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین نمود به‌طوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود (اینس، ۱۹۹۵).

۳-۴. اقتصاد دفاعی

الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است. بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

۴-۴. اقتصاد الگو

چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ بر خلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده‌آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بر این اساس در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از

مؤلفه‌های مهم الگو می‌بایست متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (سایت تبیان).

۴-۵. اقتصاد کارآفرینی و تحقیق و توسعه

پنجمین الگو از اقتصاد مقاومتی، مسئله کارآفرینی و فرایند تحقیق و توسعه است. در این بخش که نقطه عطف تمام این موارد پنجگانه محسوب می‌شود، اصل بحث مربوط به نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است. در این زمینه باید برنامه‌ریزی جامع و مدونی انجام شود تا هم زمینه تحقیق و توسعه فراهم شود و فرایند تخصیص بودجه برای این کار اصلاح و تسهیل شده و زمینه‌های کارکردی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و هم تدابیری اندیشیده شود که متخصصان و استعداد‌های برتر در داخل کشور جذب شوند و امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد تا رغبت این افراد برای فعالیت در داخل کشور افزایش یافته و تکنولوژی که در کشورهای پیشرفته به‌طور مرتب در حال به‌روز شدن است در داخل و با استفاده از تقویت فرایند تحقیق و توسعه انجام شود.

۵. راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد در عرصه جهانی و تحقق آن می‌باشد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است تعامل و همکاری سازنده‌ای بین مردم و دولت صورت گیرد. از مهم‌ترین وظایف دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۵-۱. تثبیت شدت نوسانات نرخ ارز

یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت نرخ ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می‌سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می‌کند. از این رو، دولت به‌عنوان اصلی‌ترین مقام تصمیم‌گیری در سیاست‌های مالی و ارزی کشور می‌تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاست‌های مناسب به‌حداقل رساند تا در آینده اقتصاد کشور دچار شوک‌های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زودگذر نشود. توزیع مناسب و به‌اندازه ارز در بازار، توجه به صنایع و مایحتاج عمومی مردم، در اولویت قرار گرفتن اخذ ارز مورد نیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب با توجه به شرایط بازار و... می‌تواند بخشی از تدابیر دوراندیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود. از این رو،

لازم است بخش‌های تأثیرگذار بر بازار با اعتماد به نظرات کارشناسان دلسوز اقتصادی، زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی به‌عنوان شاه‌کلید عبور کشتی نظام از حوادث پیش روی خود بیش‌ازپیش فراهم نمایند.

۵-۲. افزایش سطح اشتغال

اشتغال در کشور امنیت عمومی را در پی خواهد داشت که می‌تواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین، ایجاد فرصت‌های شغلی از سوی دولت امری ضروری تلقی می‌گردد. در شرایط کنونی افزایش فرصت‌های شغلی یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول در دولت محسوب می‌شود، چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر در کشور هستیم. از جمله راهکارهای لازم برای رفع موانع اشتغال‌زایی عبارتند از تغییر نگرش دولت به بخش خصوصی، ایجاد امنیت اقتصادی، مبارزه با مفاسد اداری، کنترل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کنترل اقتصاد زیرزمینی.

۵-۳. تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها

یکی از زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی، مسئله تورم است. افزایش نرخ تورم منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری کالاها و خدمات داخلی شده و در نتیجه آن تولید و بازرگانی آن کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد. در نتیجه بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و افزایش مفاسد اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی و امنیتی کشور افزایش یافته و این مسئله کشور را از تحقق اقتصاد مقاومتی دور خواهد کرد.

۵-۴. ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد

تجربه کشورهای موفق به کوچک‌سازی بخش تشکیلاتی دولت‌های خود شده‌اند، نشان می‌دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده‌ای از نظراجرای با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته‌اند. به نظر می‌رسد نقش پررنگ دولت نیز در اداره کارها می‌بایست کاهش یابد و به‌جای آن روند نظارت بر کارها و هدایت امور توسط دولت توسعه یابد. دولت به‌عنوان ارکان اجرایی و تصمیم‌ساز که ابزارهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد، می‌تواند حرکات کیفی تری را در تمام عرصه‌ها از خود نشان دهد. علاوه بر نقش دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی، مردم نیز در تحقق آن نقش دارند که از مهم‌ترین وظایف مردم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۶. مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهم‌ترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند در آیه ۶۷ سوره فرقان، حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. پس فرد یا جامعه‌ای که در مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می‌رسد و جامعه به همان مطلوب یعنی اقتصاد سالم، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت.

۶-۱. قناعت (ساده‌زیستی و دوری از تجملات)

اقتصاد مبتنی بر قناعت به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم‌ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف‌گرایی و هزینه‌های غیرضروری در همه موارد خودداری کنند.

۶-۲. ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند اما ترجیحاً باید کالای ساخت داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است، به نحوی که تولیدکنندگان عرصه تولید، دولت و دانشگاه‌ها می‌بایست حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری با یکدیگر داشته باشند زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی و اسلامی است (سایت تبیان).

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خودگذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم کرده‌اند و این خود جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی است و از طرفی نیز با پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری در رابطه با نامگذاری ۵ سال گذشته و اثرات مثبت آن در اقتصاد، زمینه یک جهش در اقتصاد وجود دارد.

ترس از توسعه مردم‌سالاری اسلامی از دلایل اصلی عملیات‌های مذکور بود. هرچند پس از ۳ دهه شاهد بهارهای عربی بودیم که خود دلیل جدی بر غلبه این تفکر در کشورهای اسلامی است. تحریم‌های اقتصادی به بهانه‌های مختلف نیز ریشه در همین نظریه دارد. هدف اصلی تحریم‌ها، فشار بر اقتصاد کشور، توسعه‌ییکاری و تورم و در نهایت ایجاد نارضایتی در جامعه است. درک و تحلیل دقیق از شرایط موجود و بسیج امکانات و

منابع برای مقابله با این برنامه وظیفه همه کسانی است که به عزت و سربلندی می‌اندیشند. فراموش نکنیم که در شرایط موجود هر تصمیم غیرعقلانی نوعی همیاری ناخواسته با خواسته‌های دیگران است.

نامگذاری سال‌های اخیر همچون اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف کار مضاعف، جهاد اقتصادی و تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و تمرکز در خصوص مسائل اقتصادی نوعی دوراندیشی هوشمندانه از سوی مقام معظم رهبری بوده است. در این باب نکات ذیل می‌توانند حائز اهمیت باشند:

- منابع کشور اعم از مادی و انسانی و موقعیت ژئوپلیتیکی آن به گونه‌ای است که با اتخاذ تصمیمات اصولی و دقیق می‌توان تهدیدات مذکور را به فرصت تبدیل کرد. بنابراین، از نظر واقعی و شرایط موجود جهانی امکان عبور از تحریم‌ها وجود دارد.

- اقتصاد مردمی؛ اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی می‌تواند نقش بسزایی در افزایش مشارکت مردمی و تحقق اقتصاد مقاومتی و نیز تقویت ظرفیت و توان تولید داخلی داشته باشد.

- نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور؛ در دوران اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی داخلی یک ضرورت جدی است. از یک طرف می‌بایست فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و حتی نظام پولی و مالی کشور با نیازهای ناشی از اجرای اقتصاد مقاومتی و پیامدهای آن هماهنگ و همخوان گردد و از طرفی باید اقتصاد کشور را به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی متکی نمود. نیروی کار، منابع سرمایه‌ای، ابتکارات و خلاقیت‌ها، نگاه‌ها و نگرش‌ها و نظایر آن می‌بایست با الزامات اقتصاد مقاومتی هماهنگ گردند.

- نگاه مولد به درون، خوداتکایی، خودکفایی؛ یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی تبدیل کشور از حالت واردکننده حداکثری به حالت واردکننده حداقلی و تبدیل آن به یک کشور صادرکننده محصولات غیرنفتی و غیروابسته و غیرمتکی به نفت است. در این خصوص جایگزینی تولید غیرنفتی اجباری است. کشور ایران دارای معادن غنی و متنوع، سرزمین‌های وسیع و مستعد، استعدادهای نیروی انسانی بی‌نظیر در دنیا، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و آماده برای بالفعل شدن، مکتبی انسان‌ساز و مولد و مشوق و پویا و فعال، مواهب بومی و ملی خدادادی فراوان و کشوری تمدن‌ساز و مؤثر در تمدن‌های بشری است. شناخت این ظرفیت‌های بومی و برنامه‌ریزی و عملیات برای به‌کارگیری این ظرفیت‌ها در اقتصاد مقاومتی اهمیت بسیار دارد.

در اقتصاد مقاومتی رویکرد کشور و جامعه به سمت ایجاد نهضت استعدادیابی و ظرفیت‌یابی درونی و استفاده از فرصت‌های موجود ملی است. در این نهضت جایی برای تنبلی و رکود نیست. در وهله نخست همه نگاه‌ها به سوی بهره‌وری و به‌کارگیری ظرفیت‌های درونی است. نگاه و نگرش

به اعتلای کشور و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر هجوم دشمنان و یا شرایط اضطراری با رویکرد فعال‌سازی استعدادهای ملی است. نگاه توأم با تلاش و همت مضاعف و جهادگونه با تکیه بر کار و سرمایه ایرانی و حمایت از تولید ملی است.

نهضت تولید علم و دانش و به تبع آن تولید فناوری و به کارگیری فناوری‌ها و تجاری‌سازی دانش و استفاده حداکثری از شرکت‌های دانش‌بنیان و کارگاه‌های خصوصی کوچک و متوسط و هم‌افزایی علم و ثروت و حرکت به سمت خوداتکایی و تحقق خودکفایی کشور است که در اقتصاد مقاومتی برجسته‌تر می‌شود تا تولید ملی بهینه گردد و کشور به خود متکی و از تک‌محصولی بودن خارج شود. در اقتصاد مقاومتی برای برداشتن گام‌های بلند در راستای پیشرفت کشور در حین مقاومت، توجه به کیفیت و قیمت و تنوع تولید داخل، اصلاح مدیریت‌های اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خوداتکایی و اتخاذ تدابیر لازم برای خوداتکایی در برخی زمینه‌ها لازم است.

منابع

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
سایت تبیان، www.tebyan.net.
علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، *تحریم ایران شکست یک سیاست*، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
Balasa, B. (1990), *Koreas Development Strategy*, in Jene K. Kwon Ed, Korea Economic Development, Greenwood Press, Connecticut, PP. 1-17.
Innes, S. (1995), *Creating the Commonwealth: The Economic Culture of Puritan New England* New York: Norton.
Johnston, D. C. (2005), "Richest Are Leaving Even the Rich Behind", New York times, PP. 1,17, June, 5.
Peet, R. & H. Elaine (2009), *Theories of Development Contentions, Arguments, Alternatives*, The Guilford Press, Second Edition.

